

۳

نگارہی مقام



مثنیٰ مخزومی استاد حسین انصاریان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نگاهی به مقام امام حسین (علیه السلام)

نویسنده:

حسین انصاریان

ناشر چاپی:

دارالعرفان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	نگاهی به مقام امام حسین علیه السلام
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۱۲	سخن ناشر
۱۴	تعبیر امام عصر عجله الله تعالی فرجه الشریف از امام حسین علیه السلام به مولای ما
۱۷	مردود نشدن دعای امام حسین علیه السلام به صورت مطلق
۲۲	هیچ قلم و مُرگّی برتر از خون حسین علیه السلام نیست
۲۳	سلام امام عصر بر خون حسین علیه السلام، به عنوان خون زنده
۲۵	تجلیل ویژه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم از امام حسین علیه السلام: حسین از من است و من از او
۲۹	عوض های شهادت حسین علیه السلام در دنیا
۳۶	غبار زائر حسین علیه السلام، نجات بخش است
۳۹	پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم، اولین زائری که بر حسین علیه السلام می گرید
۴۱	درباره مرکز

نگاهی به مقام امام حسین علیه السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه: انصاریان، حسین، ۱۳۲۳ -

عنوان و نام پدید آور: نگاهی به مقام امام حسین علیه السلام/مؤلف حسین انصاریان.

مشخصات نشر: قم: دارالعرفان، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۳۵ ص. ۹×۵/۱۹، س م.

شابک: ۳۵۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۳۹-۲۶-۸:

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: انصاریان، حسین، ۱۳۲۳ - -- و عظ

موضوع: حسین بن علی علیه السلام، امام سوم، ۴ - ۶۱ ق.

موضوع: حسین بن علی علیه السلام، امام سوم، ۴ - ۶۱ ق -- فضایل

رده بندی کنگره: ۴/۴۱/۴BP/الف ۸۶۸۲ن ۸۱۳۸۸

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۳

شماره کتابشناسی ملی: ۱۹۴۸۱۲۳

ص: ۱

اشاره

آنچه انسان را در مسیر پر فراز و نشیب زندگانی از نابسامانی‌ها محفوظ می‌دارد و موجب سعادت و سرفرازی و سربلندی او در امتحانات الهی می‌شود، پژوهش پیرامون علوم الهی و معارف اسلامی و پوشاندن جام عمل به دستورات بلند ربانی می‌باشد.

در این خصوص، دست یابی به حقیقت معارف الهی و آشنایی با جایگاه حساس و ویژه آن‌ها در حیات انسانی، ضروری احساس می‌شود.

مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان، در راستای اهداف الهی خود، این بار افزون بر استفاده از مطالب پربار و عالمان دانشمند محقق حضرت استاد حسین انصاریان، با انتشار گلچینی از متن سخنرانی‌های معظم له، از بیان پر حرارت و جذاب سخنرانی‌های استاد نیز تشنگان معارف سراسر نور

ائمه اطهار: را بی نصیب نگذاشته و بدون خارج ساختن متن سخنرانی از قالب گفتاری آن، باب دیگری را برای استفاده از معارف آل الله: و سیراب گشتن از این چشم پرفیض باز نموده است.

امید که با عنایات خاص اهل بیت عصمت و طهارت: بیش از پیش بتوانیم از زمزم معارف آن ذوات مقدّس سیراب گردیم.

مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان الشیعی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلوۀ و السلام على سيد الانبياء و المرسلين حبيب الهنا وطيب نفوسنا ابي القاسم محمد صلى الله عليه

ص: ۸

تعبیر امام عصر عجله الله تعالی فرجه الشریف از امام حسین علیه السلام به مولای ما

وجود مبارک امام زمان (عج)، در نامه ای به قاسم بن علاء همدانی که اهل یمن بود و وکیل وجود مبارک امام عسگری علیه السلام در امور دین و دنیای مردم، می نویسد: قاسم بن علاء! پنجشنبه روز سوم شعبان روز، ولادت مولای ما، حضرت حسین بن علی علیه السلام است. (۱) این که امام زمان (عج) می فرماید: (مولای ما) و نمی فرماید: (مولای من)، آیا منظور از (مولای ما)،

ص: ۹

همه اهل بیت: از امام سجاده علیه السلام به بعد و همه شیعیان هستند؟ این قابل تحقیق است؛ چون امام علیه السلام جمع را در این نامه در نظر داشته است، عبارت: (مولای ما) به کار می برند تا خودشان را هم در این نامه جزو جمع به حساب آورند. آن وقت باید سراغ عنوان این جمعی رفت که وجود مبارک حضرت اباعبدالله حسین علیه السلام مولای آن هاست. در برابر کلم (مولا) در قرآن، روایات و فقه، کلم (عبد) آمده است. در دعای کمیل، چند بار امیرمؤمنان خطاب به پروردگار دارد، (الهی)، (سیدی) و (مولای). آن کسی که در برابر مولا است، عبد می باشد. البته، مقام عبودیت در برابر مولویت حق، مسأل ویژه ای است. در آن جا، (مولا)، خالق عبد، رازق عبد، و رب عبد است. دنیا و آخرت عبد، در اختیار مولای آن عبد است، ولی مسأله مولا و عبد در غیر خدا، معنایش این است که سرمایه داری آمده و افرادی را با هزینه کردن و سرمایه دادن، خریده است و آن ها در خدمت او هستند؛ آن ها برای او کار کرده و

زحمت می کشند، و مولا هم در مقابل زحماتشان، به آنان نظر، توجه و لطف دارد و زمانی هم می رسد که مولا برای خدا رو به عبدش کرده و می گوید: (أَنْتَ حُرٌّ لِرُؤُوسِهِ اللَّهِ). من به خاطر خدا، تو را از آن زحمت، از آن رنج، از آن مرارتی که برای من می کشی، آزاد کردم و اکنون تو آزادی، پس راحت باش!

آیا وجود مبارک امام عصر(عج) می خواهد بگوید: حسین بن علی علیه السلام بعد از این که به دنیا آمده، با آن هزینه ای که کرده، هم ما را از دست کفر، ظلم، بدبختی، تیرگی و تاریکی خریده است و ما عبد او شدیم، و باید منتظر بمانیم تا خدمات ما مورد قبول او قرار بگیرد و در روز قیامت ایشان به پروردگار بگویند من می خواهم هر کس را که در مدار عبد بودن مولویت من قرار گرفته، آزاد کنم تا مصائب قیامت، مشکلات قیامت، دوزخ قیامت، متوجه او نشود؛ چون پروردگار عالم هم بنا دارد خواست اباعبدالله علیه السلام را مطلقاً رد نکند.

مردود نشدن دعای امام حسین علیه السلام به صورت مطلق

البته، خداوند متعال این وعدهٔ مردود نشدن دعا را به صورت مطلق برای هیچ پیغمبر و امامی ضمانت نکرده است. در متن قرآن، در سور مبارکهٔ توبه است. البته، داستانی اتفاق افتاد که این آی شریفه نازل شد. داستانش هم این طور که شیعه و سنی نوشته اند، این بود که جوانی که به عنوان شأن نزول این آیه است، جوانی پاک، مؤمن و متدین بود که در جنگ احد شهید شد، و شهادت او هم مربوط به صبح عروسی اش بود. او پیش از شهادتش خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم آمد، و به پیغمبر عظیم الشأن اسلام صلی الله علیه و آله وسلم که به خاطر ایمان این جوان و ارزشش، خیلی به این جوان علاقه داشت، عرض کرد: پدرم از دنیا رفته و من هم می دانم که شما نظری به این پدر من نداشتید؛ چون پدرم باطن خبیث، آلوده و زشتی داشت. شما اگر بر جنازهٔ او حاضر نشوید و نماز نخوانید، من می ترسم خانواده ما

انگشت نما شوند، و این مسأله هم برای من سنگین و سخت است.

حضرت فرمود: بروید جنازه اش را بیاورید تا من بر او نماز بخوانم. آن جنازه را تشییع کردند و به کنار مسجد آوردند. رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم بیرون آمد و بر آن نماز خواند. دیگر ما نمازی بالاتر از نماز رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم که نداریم؟ کمیت نماز ما با رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم یکی است. ما در نماز میت پنج تکبیر می گوییم، و رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم هم پنج تکبیر می گفت؛ همان طور که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم صبح دو رکعت نماز می خواند، ما هم این نماز را دو رکعت می خوانیم و هر چیزی که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در این دو رکعت نماز صبح می خواند، ما هم می خوانیم؛ کمیت نمازهای ما با نمازهای رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم مساوی است. دیگر ما نمازی بالاتر از نماز رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم که نداریم؟ فرق بین نمازهای ما و پیغمبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله وسلم، در کیفیت است؛ یعنی دو رکعت نماز صبح او را پروردگار عالم در یک کفه بگذارد، و کل نمازهای جن و انس را در یک کفه

ص: ۱۳

دیگر بگذارد، کفه نماز ایشان سنگین تر خواهد بود، به خاطر باطن نمازش که برای ما هم روشن نیست.

بعد از تکبیر چهارم، ضرورتاً و به صورت واجب، نماز گزار میّت باید بگوید: (اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِهَذَا الْمَيِّتِ). این دعا در حالی که دعاکننده هم پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم است و در نتیجه، کیفیت دعا هم بی نظیر می باشد، به محض این که پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم تکبیر پنجم را گفت و نماز تمام شد، جبرئیل علیه السلام با این آیه نازل شد: (اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ) (۱): حیب من! چه تو به جانب من دست به دعا برداری و از من بخواهی این قبیل مرده ها را بیامرزم، و چه چنین درخواستی را از من نکنی، خواستنت یا نخواستنت برای من مساوی است، من تا به ابد چنین افرادی را

ص: ۱۴

نمی آرمزم؛ یعنی این دعای تو در مورد چنین افرادی مردود است. (۱) اما نسبت به حضرت سیدالشهداء علیه السلام، اراد حق این است که هرگز دعای او را رد نکند. این یک امتیاز و یک ویژگی حضرت سیدالشهداء علیه السلام است. البته، حضرت سیدالشهداء علیه السلام مورد دعا را می داند، اما اگر اتفاقاً در موردی که به نظر می آید قابل اجابت نیست و ایشان وارد دعا بشوند، اجابت قطعی می شود. آن وقت مقام روحی، محبت، عشق، نرمی و کرامتشان تا جایی است که مرحوم ملا- آقای دربندی ۱ که از مراجع شیعه بود و در زمان حیاتش، سالی شش ماه در تهران به سر می برد و شش ماه هم در کربلا، در زمانی که در کربلا به سر می برد، بعد از نماز صبح تا اذان ظهر به حرم آمده و فقط گریه می کرد در حالی که هیچ کتاب دعایی را هم با خودش نمی بُرد. بعد از خواندن نماز ظهر و عصر ناهار می خورد و کمی استراحت، و بعد دوباره به حرم کنار ضریح می رفت و تا اذان مغرب گریه می کرد و این گریه بند هم نمی آمد.

ص: ۱۵

۱- ((۱)) ۲. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۰۲.

در این شش ماه هم فقط یک درخواست از اباعبدالله علیه السلام داشت و شش ماه برای اجابتش گریه می کرد و درخواستش هم این بود: حسین جان! برای دل خوشی ما، به حقّ مادرت زهرا، از تو می خواهم در قیامت از شمر نگذری؛ چون آن چیزی که من درباره تو می دانم این است که تو در عفو نمودن، چه کسی هستی؟ ترسم این است که همین که در قیامت وارد بشوی، بگویی، خدایا! از قاتل من بگذر.

امروز سوم شعبان که روز ولادت مولای ما اباعبدالله حسین علیه السلام است درباره معنای کلمه مولا بحث می کنیم که مولا یعنی چی؟ و این که عبد یعنی چه؟ و این که روز آزادی عبد با اشاره مولا یعنی چه؟ این را باید از متخصصان خیلی متخصص پرسید. سواد من در حد طلبگی معمولی است و بیش تر از آن را نمی دانم و اصلاً نمی فهمم.

هیچ قلم و مُرگبی برتر از خون حسین علیه السلام نیست

مطلب دیگری که در این روز فرخنده باید بگویم، این است که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید، هیچ کار نیکی در تمام عالم وجود، بالاتر از شهادت در راه خدا نیست، هیچ کار نیکی. (۱) در روایت دیگری که هم اهل سنت و هم شیعه آن را از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نقل کرده اند، حضرت چنین فرمود: مُرگبی که عالمان دین برای رساندن دین به مردم به کار می گیرند و با آن کتابی، تفسیری، فقهی می نویسند، قیمتش از خون شهدا بیش تر است. (۲) اما حالا باید دید قیمت این مُرگب، بیش تر از خون کدام شهدا است؟ چون در عالم خونی است که خون ویژه می باشد و میلیاردها قلم و دریاها مُرگب، نمی توانند با این خون ویژه نسبت برقرار کنند.

ص: ۱۷

۱- (۱) شیخ کلینی، کافی، ج ۲، ص ۲۴۸.

۲- (۲) شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۹۹ - جلال الدین سیوطی، درالمنثور، ج ۳، ص ۷۲.

سلام امام عصر بر خون حسین علیه السلام، به عنوان خون زنده

خون امام حسین علیه السلام، خونی ویژه است. امام زمان (عج) از این خون تعبیر به خون زنده (۱) کرده و می فرمایند: من به این خون زنده، سلام می کنم. (۲) ما تا حالا نشنیده بودیم. خون زنده خونی پاک است تا وقتی که پنهان است. به محض این که از پنهانی در آمد، نجس می شود و نماز با آن باطل است؛ طواف با آن باطل است؛ شاید حکمت آن این باشد که خون در پنهان، دارای گلبول های قرمز و سفید متحرک است. وقتی خون بیرون می آید، گلبول ها از حرکت می افتند و فوراً زمینه ظهور میکروب پیش آمده و آن خون نجس می شود.

ص: ۱۸

۱- (۱). «السلامُ عَلَى الدَّمَاءِ السَّائِلَاتِ» .

۲- (۲). (شیخ حر عاملی، امل الآمل، ج ۲، ص ۲۵۷.

اما امام زمان (عج) می گوید: سلام بر این خون های زنده، نه خون های آدم های زنده. خود خون را می گوید، خون زنده. سلام بر این خون های زنده؛ این خونی که در کربلا ریخته شده و صاحبش اعلم علمای اولین و آخرین بود.

یعنی این جا نباید پای مُرگب و قلم فقها، مفسرین و حکمای الهی را به میان کشید. علم کل در کنار علم اباعبدالله علیه السلام، جهل است. این جا بحث علم عالمان و مرکب و دواتشان قابل طرح نیست. خود این خون، مُرگبی شد برای نوشتن همه حقایق تا به قیامت. خود این خون، کتابی است به پهنای آفرینش.

امروز که حضرت امام حسین علیه السلام به دنیا آمد، جبرئیل علیه السلام نازل شد و عرض کرد: یا رسول الله! خدا می فرماید: این فرزندی که به تو دادم، خزان علم من است، نه خزان علم گذشتگان و آیندگان. یک وقت انسان به حوزه می رود تا استادی را انتخاب کند، و سپس سی سال پای درس آن استاد می نشیند و این گونه علم آن ها را به خودش منتقل می نماید. این جا پروردگار می گوید، این مولود

همین الان که به دنیا آمده، نه در آینده، خزان علم من است.

بنابراین، آن حضرت علیه السلام، شهید عالم است؛ شهید با معرفت است؛ شهید بصیر است، و علم و دانایی او و خبیری و بصیرتش، از الله است، نه از معلمان بشری.

در این جا پروند این روایت هم بسته شد و معلوم شد این که پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم می گوید، مُرَّگَبَ علما از خون شهدا افضل است، منظور خون کدام شهید است.

تجلیل ویژه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم از امام حسین علیه السلام: حسین از من است و من از او

برادران و خواهرانم! مطلب دیگری که شایسته است در این روز فرخنده بگویم، مطلبی است که خواندن پروند آن و فهمش برای شما، نیاز به این دارد که انسان قاعد بسیار بسیار علمی و قابل بحث اتحاد عاقل، عقل و معقول را هضم کرده باشد. این بحث بحثی است که بیش از سه هزار سال است که

مورد توجه حکمای الهی می باشد. نتیج این بحث چنین است که: وجود انسان ها در حرکات عقلی که برای خدا دارند، با عاقل، با عقل و با معقول؛ یعنی آنچه از معرفت و معلومات که عقل آن را گرفته، متحد می شود.

این روایتی که می خواهم بخوانم، با این پرونده و با این قاعده قابل حل است که البته، توضیح این قاعده، از دست من بر نمی آید، بلکه آن مقداری را هم که بلد هستم و خوانده ام، اگر بخوام بیان کنم، تنها خودم و شما را فقط خسته می کنم.

این روایت را که از رسول گرامی صلی الله علیه و آله وسلم نقل شده، در کتب سنی دیده ام و شیعه هم آن را نقل کرده است. دربار احدی هم چنین متنی از ایشان نیامده است، جز این که آن حضرت صلی الله علیه و آله وسلم به امیرمؤمنان علیه السلام گفت: (لَحْمُكَ لَحْمِي، دَمُكَ دَمِي، حَزْبُكَ حَزْبِي، سَلْمُكَ سَلْمِي). (۱) اما شگفت آورتر سخنی است که رسول گرامی علیه السلام

ص: ۲۱

۱- ((۱)) ۱. علام مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۰۶.

دربار اباعبدالله علیه السلام فرمودند: (حُسَيْنٌ مِنِّي وَ اَنَا مِنْ حُسَيْنٍ). (۱) این (مَنِّي) دارای بحث خیلی سنگینی است. یک رباعی می خوانم تا شاید فهم این روایت را آسان کند:

داند آن عقلی که او دل روشنی است

در میان لیلی و من فرق نیست

من کیم لیلی و لیلی کیست من

ما یکی روحیم اندر دو بدن (۲)

یک خط این رباعی را من به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم می گویم: (حُسَيْنٌ مِنِّي وَ اَنَا مِنْ حُسَيْنٍ). (۳) حالا باید رفت سراغ پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و بینیم پیغمبر کیست؟ بزرگان دین با دلیل و با برهان، نه با پند و اندرز، ثابت کردند که وجود مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در این عالم، مقام جمع الجمعی است؛

ص: ۲۲

۱- (۱) ۲. جعفر بن محمد بن قولویه، کامل الزیارات، ص ۱۱۶ - جلال الدین سیوطی، جامع صغیر، ج ۱، ص ۵۷۵.

۲- (۲) ۳. مولوی.

۳- (۳) ۱. همان قبل.

عنی آنچه خدا در بیرون عالم و در باطن عالم دارد، همه را در او خلاصه کرده است؛ یعنی اگر بگوییم پیغمبر هم فرشتگان است، خواهیم گفت، او چنین است. اگر بگوییم پیغمبر هم انسان هاست، خواهیم گفت، چنین است؛ اگر بگوییم پیغمبر هم زندگان با ارزش عالم است، خواهیم گفت، چنین است؛ اگر بگوییم پیغمبر هم ارزش هاست، خواهیم گفت، چنین است، و اگر چنین نبود، محال بود این آیه نازل بشود: **وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ** . (۱) این آیه دنبال **الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ** ، (۲) است. خدا می گوید: من ربّ جهانیان هستم، همین خدا می گوید: پیغمبر، رحمت برای جهانیان است؛ یعنی این قدر به او بخشیده ام که اگر کلّ موجودات از سفره اش بخورند، سیرشان می کند و از او کم هم نمی شود. آن وقت، پیغمبر می گوید، حسین علیه السلام نیز این گونه هست.

ص: ۲۳

۱- (۱) ۲. انبیاء: ۱۰۷.

۲- (۲) ۱. فاتحه: ۱.

مطلب دیگری که شایسته است در این روز بگوییم، این است که شهادت چنین انسانی، و این که بیاید جانش را برای خدا بدهد، آن هم در زمانی که برای هیچ پیغمبر و امامی چنین ماجرای پیش نیامده است، حتی برای امیرمؤمنان علیه السلام زمانی که حسین علیه السلام جانش را برای خدا داد، زمانی بود که اگر او جانش را هزینه نمی کرد، چراغ نبوت هم انبیاء، چراغ توحید و چراغ ارزش ها برای ابد خاموش می شد. او از طریق شهادت، حلق اتصال بین توحید، نبوت، ارزش ها و انسان هاست. نمی دانم قیمت این شهادت را گرفته اید. شهادت این شهید ویژه است، او خزان علم الله است و عبارت (حُسَيْنٌ مِّنِّي) ، از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم درباره اش گفته شده است. خون، خون زنده است. او در زمانی شهید شده که اگر شهادتش نبود، چراغ نبوت و ارزش ها، برای ابد خاموش می شد.

حالا اگر در این دنیا بخواهند عوض این شهادت را به او بدهند، فکر می کنید چه باید بدهند. می گویند در مثل مناقشه نیست. چاره ای نیست جز مثل زدن. بر مکان اصلی شهر، زمینی هزار متری است که قیمتش از هم زمین های شهر بیش تر است. شهرداری صاحب زمین را دعوت می کند و می گوید، به مقدّسات سوگند، نمی خواهیم ظلم کنیم، و نمی خواهیم حقی را از بین ببریم، حالا- ما این زمین را به نفع مردم شهر لازم داریم. می دانیم قیمت آن هم متری دو میلیون تومان است، ما واقعاً برابر ارزش این زمین معوّض می دهیم و کم هم نمی گذاریم. الآن هم پولش را می دهیم و به صورت نقد. حالا این معوّض را پول بدهیم یا نه، پنج هزار متر زمین را در بهترین نقطه شهر بدهیم که جبران این هزار متر را بکند؟ انتخاب با شما است.

من تا حالا در روایات و آیات، کلم معوّض و عوض را در چنین مسأل ویژه ای ندیدم. فقط دربار اباعبدالله حسین علیه السلام است که امام زمان (عج)

می فرماید: (الْمُعَوِّضُ مِنْ قَتْلِهِ) (۱) مُعَوِّضُ نه نسبت به خود اباعبدالله علیه السلام ، مُعَوِّضُ نه نسبت به نمازهایش و روزه هایش، نه نسبت به این که فرزندی مثل زین العابدین و علی اکبر را تربیت کرده است، نه چنین نیست. این مُعَوِّضُ، فقط قیمت خونس در دنیا است و به قیمت آخرت آن کاری ندارند: (الْمُعَوِّضُ مِنْ قَتْلِهِ أَنَّ الْأَيْمَةَ مِنْ نَسْلِهِ وَ الشَّفَاءُ فِي تَرْبِيَتِهِ وَ الْفَوْزُ مَعَهُ) (۲).

وقتی که اباعبدالله علیه السلام خونس را هزینه کرد، عجیب است که امام صادق علیه السلام می فرماید در کربلا حضرت امام حسین علیه السلام، خونس را، نه به خدا صدقه داد؛ نه آن را انفاق کرد؛ نه آن را عطا کرد و نه با آن معامله کرد؛ بلکه ایشان درباره این خون می گوید: (بَدَلَ مَهَجَّتَهُ فِيكَ) (۳): این خون را به

ص: ۲۶

۱- (۱) ۱. شیخ طوسی، مصباح المتهجد، ص ۸۲۶.

۲- (۲) ۲. شیخ طوسی، مصباح المتهجد، ص ۸۲۶.

۳- (۳) ۱. شیخ جعفر بن محمد بن قولویه، کامل الزیارات، ص ۴۰۱.

رایگان به تو داد و گفت من در مقابل این خون، هیچ نظری جز رضایت تو ندارم.

امام زمان(عج) می گوید، وقتی خدا این خون را گرفت، گفت: من قیمتی ترین شیء را از حسین بن علی^۸ گرفتم؛ برای همین عدالتم اقتضا می کند، معوضش را به او بدهم. امام زمان(عج) می گوید، هر يك از ما^۹ امام بعد از حسین علیه السلام ، از امام زین العابدین علیه السلام ، با وزنی که دارد، امام باقر علیه السلام ، با وزنی که دارد، امام صادق علیه السلام ، موسی بن جعفر علیه السلام ، حضرت رضا علیه السلام ، حضرت جواد علیه السلام ، امام هادی علیه السلام ، امام عسکری علیه السلام و من، يك بیست و هفتم معوض خونش هستیم. من فکر نمی کنم آسمان ها و زمین طاقت حلّ این مسأله را اصلاً داشته باشند. حل آن برای ما خیلی مشکل است، این مسأله از قبیل این سخن حق تعالی هست: (لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ) . (۱) ما^{۱۰} نه تن با هر مقامی

ص: ۲۷

که داریم، در مجموع، تنها یک سوم عوض آن خونیم.

من از سنگینی این مسایل، واقعاً قلبم در فشار قرار گرفته است. نمی دانیم امام حسین علیه السلام کیست؟ واقعاً نمی دانیم. پس خدایا! به ما محبت کن و او را به ما بشناسان؛ ما نسبت به ایشان جاهلیم و نمی دانیم او کیست.

و اما مُعَوِّض دوم که یک سوم دیگر مُعَوِّض خون امام حسین علیه السلام می باشد، این است که شخص پروردگار خوردن هر خاکی را از زمان آدم تا قیامت، و به طور کلی، خوردن همهٔ خاک ها را حرام کرده است؛ چنان چه اگر خدای ناکرده، زلزله پیش بیاید و قبر پیغمبر علیه السلام خراب بشود و دوباره بخواهند لَیِّد ایشان را بچینند، اگر بگویند: مقداری خاک زیر صورت ایشان را یا خاک زیر صورت زهرا سلام الله علیها را برداریم و به مریضمان بدهیم، حرام است، اما اراد خدا به این تعلق گرفت که یکی از داروهای این عالم هستی را، نه خاک زیر صورتش را، چون صورتش آن جا نیست، و نه

ص: ۲۸

خاک زیر گلوی برید او را، بلکه خاک قبرش را قرار دهد. (۱) امام زمان (عج) می گوید، این هم یک سوم عوض که خدا از حرمت حرامش دست برداشت و گفت، خاک حسینم، حلال است، آن هم برای آن جایی که هیچ کلیدی نتوانست مشکل را حل کند. آن کلیدی را که مشکل غیر قابل حل را حل می کند، خاک حسین من است.

قافله غافل به گذرگاه عشق

آمد و پرسید همی شاه عشق

گفت چه نام است بر این سرزمین

از چه در این جاست دل اندوهگین

گفت یکی نام بود ارض طف

طوفگه عرش برین از شرف

گفت یکی نام بود نینوا

زان دل عشاق چو نی در نوا

ص: ۲۹

۱- (۱). قال الصادق: «فی طین قبر الحسین، شفا من کل داء و هو الدواء الاکبر (من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۰۰)، قال ایضاً: «حریم قبر الحسین خمسۃ فراسخ من اربعۃ جوانب القبر» (همان).

گفت یکی کرب و بلا زد فغان

شه که قف ای قافله عاشقان

بار گشاید که منزل رسید

کشتی عشاق به ساحل رسید

بار گشاید شهیدان عشق

کعبه همین جاست در ایمان عشق

جلو باغ ارم از کربلاست

رونق دیر و حرم، از کربلاست

هر که زده جام - جام بلا

بار گشاید به صف کربلا

کرب و بلا درس وفا می دهد

تربت عشق است و شفا می دهد

امّا یک سوم دیگر عوض این است: (وَ الْفَوْزُ مَعَهُ .) (۱) امام زمان (عج) می گوید، هر کس در دنیا و آخرت، باطنش، ظاهرش و عملش بوی

ص: ۳۰

حسین علیه السلام را بدهد، به طور یقین، اهل نجات است و شکی در آن وجود ندارد: (وَ الْفَوْزُ مَعَهُ). خدا نگاه و سخن دیگری به اباعبدالله علیه السلام دارد.

غبار زائر حسین علیه السلام، نجات بخش است

علام امینی ۱ در جلد ششم الغدیر نقل می کند پدر و مادری ناصبی، دشمن اهل بیت، در بحرین زندگی می کردند که بچه دار نمی شدند. آن ها پنج یا ده سال بود که ازدواج کرده بودند. یک شب آن زن و شوهر برای خدا نذر کردند که اگر خداوند متعال فرزندی به آن ها بدهد، هجده و نوزده سالش که شد، او را غرق اسلحه کنند تا در راه کربلا برود و به غارت اموال زوّار حسین و کشتن زائرانش پردازد. خدا هم این نذر را قبول کرد. آن ها بچه دار شدند. آن پسر، هجده و نوزده سالش که شد، پدر و مادرش او را صدا کردند و به او گفتند، ما چنین نذری کردیم. او هم که خودش ناصبی شده بود، قبول کرد. او را مسلح کردند و نشانی راه کربلا را به او دادند. او به راه کربلا رفت و برای انجام

مقصودش در گودالی پنهان شد. گاهی از آن گودال سر می کشید تا ببیند آیا جمع زواری به کربلا می روند تا او از آن گودال بیرون بجهد و پس از کشتنشان، اموالشان را ببرد. چون روز اول بود، کمی که منتظر ماند، خسته شد و درون همان گودال به خواب سنگینی رفت. در خواب دید که قیامت هست و افرادی آمدند و مچ او را گرفتند و گفتند، به دادگاه بیا، هم قاتلی و هم دزدی. در قیامت راه فراری هم برای کسی نیست. وقتی او را داخل آن دادگاه می کنند، می گویند، این فرد محاکمه ندارد؛ پرونده اش را باز نکنید و او را خجالت ندهید. او هنوز کسی را نکشته است، هر چند نیت آن را داشته، و مالی را هم نبرده، هر چند نیت آن را داشته است. او اهل نجات است؛ چون عده ای از زائران حسین علیه السلام هنگامی که او خواب بود، آمدند و رد شدند و گرد و غبارشان، بر روی لباس های این فرد ریخته و او اکنون بوی حسین علیه السلام را می دهد. او نباید به جهنم برود. که ناگهان بیدار می شود و اسلحه اش را دور می اندازد و

شمشیر و خنجرش را پرت می کند و با پای پیاده به طرف کربلا می دود و به زیارت حرم امام حسین علیه السلام می رود. (۱) علامه امینی می گوید: حسین جان، گرد و غبار زائرت که آدم را از جهنم نجات بدهد، دیگر بودن با خودت با آدم چه می کند؟

این نگاه، نگاه خدا به اباعبدالله حسین علیه السلام است.

و آیا چگونه ما موقعیت امام حسین علیه السلام در قیامت را بفهمیم؟ وقتی در دنیا نتوانستیم این موقعیت را بفهمیم، آیا در قیامت خواهیم توانست آن را بفهمیم؟ به راستی، ما ورود او را و نگاه به او را در قیامت و محشر نمی دانیم.

ص: ۳۳

۱- (۱). البته، این پسر بعداً از علمای بزرگ شیعه شده و ادبیاتش دربار غدیر امیرمؤمنان^۷ جزء ادبیات صف اول می باشد و علامه امینی ادبیات عالمانه اش را آورده و تفسیر کرده است.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم، اولین زائری که بر حسین علیه السلام می‌گرید

امروز ولادت مولودی است که هم انبیاء منتظر او بودند؛ مولودی که هم انبیاء در گرفتاری‌ها به او متوسل شدند وقتی حسین علیه السلام متولد شد، پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم دو بار به خانه فاطمه سلام الله علیها رفت که نورسیده را زیارت کند. یکبار در همان آغاز ولادت به نزد صفیه بنت عبدالمطلب، عمه اش و قابله حسین علیه السلام، رفت و گفت: ای عمه! فرزندم را بیاور. صفیه گفت: پدر و مادرم فدای تو باد! چگونه او را به تو بدهم، و من هنوز او را تمیز و پاکیزه نکرده‌ام. حضرت گفت: به کسی که جان محمّد در دست اوست، او را خداوند از بالای عرش پاکیزه نموده است، بعد دست هایش را گشود و با کف دستانش او را از من گرفت، پس سر نوزاد را به زیر آورد و شروع کرد به بوسیدن شاهرگ‌ها و گونه هایش و مکیدن زبانش؛ مثل اینکه داشت غسل و شیر می‌مکید. سپس حضرت صلی الله علیه و آله وسلم گریه ای طولانی نمود. بعد که هشیار شد، گفت: خداوند بکشد قومی را که تو را می‌کشد. صفیه گفت: حبیب محمد صلی الله علیه و آله وسلم! چه کسی عترت

رسول الله صلى الله عليه و آله وسلم را می کشد؟ حضرت گفت: ای عمه! گروه ستمگری از بنی امیه. (۱) کمی بعدتر، پیامبر صلى الله عليه و آله وسلم چون عاشق مشتاقی که بی صبرانه منتظر دیداری دوباره با معشوق خود است، باز به دیدار حسین علیه السلام شتافت. به اسماء، خدمتکار حضرت فاطمه سلام الله علیها، گفت: پسر مرا بیاور. اسماء نرسیده را در تکه پارچه سفیدی گذاشت و به نزد پیامبر صلى الله عليه و آله وسلم آورد. سپس حضرت در گوش راست این نوزاد اذان گفت و در گوش چپش هم اقامه خواند و بعد او را در دامنش گذاشت و گریست. اسماء گفت: پدر و مادرم فدای تو باد، از چه چیز می گویی؟ پیامبر صلى الله عليه و آله وسلم گفت: بر پسرم گریانم. اسماء گفت: او که اکنون تازه به دنیا آمده؟ حضرت که جبرئیل علیه السلام او را باخبر کرده بود، گفت: گروه ستمکاری او را خواهند کشت. خداوند شفاعتم را به آنان نرساند. سپس فرمود: ای اسماء! فاطمه سلام الله علیها را از این خبر آگاه نکن؛ چون او به تولد او قریب العهد هست. (۲)

ص: ۳۵

۱- (۱) ۱. محمد بن سلیمان کوفی، مناقب امیرالمؤمنین، ج ۷، ص ۲۳۴.

۲- (۲) ۱. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۹..

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

